

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 10, Winter 2022, 167-190
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.29020.1687

An Evaluation and Criticism of the Revised BA Program in English Translator Training

Hossein Davari^{*}, Saeed Nourzadeh^{}**

Ailin Firoozian Pouresfahani^{*}, Ghodrat Hassani^{****}**

Abstract

After around three decades of implementing the BA program in English translator training approved in 1990 which was accompanied by many serious criticisms, finally, in 2017, its revised version was approved and implemented. This revised program first aims at enhancing the students' language skills and their translation competence and then making the major more specialized. Due to the importance of this considerable revision, in this paper, the researchers attempted to study and evaluate the program through the attitudes of ten faculty members from seven universities offering this major. The findings revealed that in their opinion, while the program has been considerably improved regarding some factors such as integrating up-to-date courses, paying attention to applied and local needs, attending to the Persian language, paying attention to new technologies and introducing various new references, it suffers from some weaknesses with regard to some courses, their syllabi, the proposed sources, and the prerequisites. In their opinion, with such weaknesses, the program will face challenges both in the process of its implementation and in achieving its aims.

Keywords: Evaluation, Curriculum, English Translation, Syllabus.

* Associate Professor, Damghan University, Damghan, Iran (Corresponding Author),
h.davari@du.ac.ir

** Assistance Professor, Damghan University, Damghan, Iran, saeednourzadeh@yahoo.com

*** Assistance Professor, Damghan University, Damghan, Iran, ailin_firooziyani@yahoo.com

**** Assistant Professor, Damghan University, Damghan, Iran, qhassani@gmail.com

Date received: 29/08/2021, Date of acceptance: 30/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

ارزیابی و نقد برنامه درسی بازنگری شده رشته مترجمی زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی

حسین داوری*

سعید نورزاده**، آیلین فیروزیان پوراصفهان‌نی***، قدرت حسینی****

چکیده

بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از اجرای برنامه دوره کارشناسی مترجمی مصوب سال ۱۳۶۹ و طرح انتقادهایی جدی به ناکارآمدی و کاستی‌های پرشمار آن، بالأخره در سال ۱۳۹۶ شاهد تصویب و سپس اجرایی شدن برنامه بازنگری شده این رشته پرتطرف‌دار دانشگاهی بوده‌ایم؛ برنامه‌ای که هدف آن تقویت مهارت‌های زبانی، تقویت توانش ترجمه، و تخصصی‌تر کردن این رشته بوده است. باتوجه‌به اهمیت این بازنگری قابل توجه، در این پژوهش تلاش شده است تا به نحوی کیفی با استفاده از دیدگاه‌های ده تن از اعضای هیئت علمی شاغل در هفت دانشگاه مجری این رشته در مقطع کارشناسی به ارزیابی و نقد این برنامه جدید پرداخته شود. یافته‌ها بیان‌گر آن است که درکنار بیان نقاط قوت این برنامه در بخش‌های مختلف تهیه و تدوین یک برنامه درسی هم‌چون عناوین درسی روزآمد، توجه به نیازهای کاربردی و بومی، توجه به زبان فارسی، توجه به فناوری‌های جدید، و نیز بهره‌گیری از منابع جدید و متنوع شاهد طرح کاستی‌هایی درخصوص برخی عناوین درسی و سرفصل دروس، شماری از منابع پیش‌نهادی، و نحوه

* دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان (نویسنده مسئول)، h.davari@du.ac.ir

** استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، saeednourzadeh@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، ailin_firooziyani@yahoo.com

**** استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، qhassani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹



انتخاب پیش‌نیازها بوده‌ایم؛ کاستی‌هایی که به‌باور آن‌ها می‌تواند، چه درحین اجرای برنامه و چه از جهت دستیابی به اهداف، به چالش‌ها و ناکامی‌هایی در اجرای برنامه جدید بینجامد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، برنامه درسی، مترجمی زبان انگلیسی، سرفصل.

۱. مقدمه

از سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ شاهد اجرایی‌شدن برنامه درسی بازنگری‌شده دوره کارشناسی رشته مترجمی زبان انگلیسی در نظام دانشگاهی بوده‌ایم؛ برنامه‌ای که جای‌گزین برنامه پیشین، یعنی برنامه مصوب سال ۱۳۶۹، شده است. تردیدی وجود ندارد که گذشت بیش از سه دهه از اجرای یک برنامه ضرورت روزآمدسازی و اصلاح آن و البته تدوین برنامه‌ای متناسب با تحولات و نیازهای روز را بیش از پیش پررنگ می‌سازد که بی‌شک ضرورت چنین تغییری درخصوص برنامه رشته مترجمی زبان انگلیسی، که پیوندی عمیق با تحولات زبانی و غیرزبانی دارد، دوچندان بوده است.

اساساً برپایه چنین نگاهی بوده است که برنامه جدید از چند جنبه مهم متفاوت با برنامه پیشین تدوین و اجرا شده است. نظر به اهمیت این تحول و ضرورت ارزیابی برنامه‌های درسی با هدف معرفی نقاط قوت و کاستی‌های آن، در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از دیدگاه‌های ده تن از اساتید این رشته که سابقه تدریس در برنامه پیشین و برنامه بازنگری‌شده حاضر را دارند به ارزیابی و نقد کیفی آن پرداخته شود.

۲. بیان مسئله و اهمیت پژوهش

به‌استناد مقدمه برنامه درسی بازنگری‌شده رشته مترجمی شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۹، پس از گذشت حدود سه دهه از تصویب و اجرای برنامه مصوب سال ۱۳۶۹، برنامه پیشین با چالش‌هایی چون وجود دروس قدیمی، حاکمیت نگاه قدیمی به آموزش ترجمه، فاصله‌گرفتن از نیازهای روز، عدم تربیت مترجمان کارآمد در بازار، عدم امکان هم‌راهی برنامه با فناوری‌های نوین، و... همراه شد.

بنابراین، ازیک‌سو درجهت اهداف شورای تحول علوم انسانی یعنی به‌روزرسانی، کارآمدسازی، بومی‌سازی، و اسلامی‌سازی و نیز با تأکید بر تقویت ارتباط میان دانشگاه و

بازار کار و ازسویی دیگر به منظور نیل به اهداف سه گانه ۱. تقویت مهارت‌های زبانی (انگلیسی و فارسی)، ۲. تقویت توانش ترجمه (آشنایی با اصول و فنون ترجمه؛ کسب مهارت در ترجمه از انگلیسی به فارسی و بالعکس در حوزه‌های نوشتاری، گفتاری - شنیداری، و رسانه‌ای؛ استفاده از ابزار و فناوری روز برای انجام ترجمه در بازار)، و ۳. تخصصی‌تر کردن رشته مترجمی زبان انگلیسی شاهد تدوین و تصویب این برنامه درسی جدید بوده‌ایم. به استناد مقدمه برنامه حاضر، این برنامه مدعی است که از این جنبه‌های مهم با برنامه پیشین متفاوت است:

الف. تأکید برنامه پیشین بر ترجمه ادبیات بوده که در برنامه جدید با ترجمه انواع متون نوشتاری، گفتاری - شنیداری، و چندرسانه‌ای که مورد نیاز بازار کار امروز است جای‌گزین شده است.

ب) برخلاف برنامه پیشین، در برنامه جدید، محتوای دروس هماهنگ با نیاز بومی و درعین حال براساس رویکردهای نوین به آموزش ترجمه تنظیم شده است. به عنوان مثال، در برنامه حاضر شاهد تلفیق شیوه‌های نوین آموزش ترجمه و مدیریت کلاس با شیوه‌های سنتی هستیم که در برنامه قبل در حد شیوه‌های سنتی باقی مانده بود.

برپایه چنین ضرورتی بوده است که شاهد تدوین برنامه جدید بازنگری شده بوده‌ایم؛ برنامه‌ای که دربرگیرنده ۵۷ عنوان درس دوواحدی (شامل ۲۲ واحد پایه، ۸۲ واحد تخصصی، و ده واحد اختیاری) بوده و برآن است تا دانش‌آموختگان این دوره را قادر کند تا جامعه ایرانی را از آخرین دستاوردهای علمی، فنی، سیاسی، و ادبی جهان از طریق ترجمه مطلع سازند، ادب و فرهنگ و هنر ایرانی و معارف اسلامی را به جوامع بین‌المللی معرفی کنند، و با استفاده از فناوری‌های روز در حوزه ترجمه در بخش‌های مختلف بازار مشغول به کار شوند.

در اهمیت انجام پژوهش‌هایی از این دست بیان این موارد می‌تواند راه‌گشا باشد:

الف. از آن‌جا که هرگونه تغییر در برنامه درسی، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، فرایندی پیچیده، چندسطحی، وابسته به محیط، و مشارکتی است (حسینی و دیگران ۱۳۹۴)، ارزیابی آن نیز نیازمند توجه به سطوح آن، محیط اجرا، و نحوه مشارکت عوامل و ذی‌نفع‌هاست. از این رو، پژوهشی از این دست می‌تواند از سطحی خاص به بررسی نحوه تغییر این برنامه مبتنی بر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن کمک کند.

ب. باتوجه‌به تغییر و تحولات برنامه‌های درسی رشته ترجمه در جوامع مختلف که ضرورت و رویکردهای آن در شماری از آثار، از آن جمله گبر (Gabr 2001)، روسی و دیگران (Rossi et al. 2004)، بوگوکی (Bogucki 2010)، و سایور و دیگران (Sawyer et al. 2019)، آمده است، بررسی منطق تغییر و کارآمدی تحول در برنامه درسی مترجمی در ایران و بررسی میزان هم‌سویی آن با رویکردها و پیش‌نهادهای مطرح بی‌تردید از منظر ارزیابی‌های مختلف حاصل می‌آید.

ج. اساساً فرایند ارزیابی برنامه‌های درسی فرصتی را برای گروه‌های ذی‌نفع مربوطه برای کسب دانش و بینش لازم پیرامون سطح کیفی برنامه‌ها و نقاط ضعف آن‌ها فراهم می‌سازد (کتابی و دیگران ۱۳۹۸). بنابراین، پژوهشی از این دست می‌تواند در شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه جدید از منظر مدرسان این برنامه، به‌عنوان یکی از گروه‌های ذی‌نفع مهم، سودمند باشد.

د. از آن‌جاکه همواره انتقادهایی جدی به ضعف‌های برنامه پیشین در شماری از پژوهش‌ها مطرح بوده است (بنگرید به ضیاءحسینی ۱۳۸۲؛ خوش‌سلیقه ۱۳۹۳؛ سالاری و خزاعی‌فرید ۱۳۹۴)، این ارزیابی می‌تواند همانا میزان توجه برنامه‌ریزان را به پیش‌نهادهای ارائه‌شده و نحوه و میزان اعمال آن‌ها را از سوی برنامه‌ریزان آشکار سازد.

حال، باتوجه‌به این تغییرات بارز در برنامه درسی این رشته مهم دانشگاهی که همواره با اقبال جامعه هم‌راه بوده است، ارزیابی این برنامه از ابعاد مختلف و از آن جمله برپایه دیدگاه مدرسان این رشته می‌تواند در این مرحله به ارائه تصویری اولیه از نقاط قوت و ضعف آن و حتی در بخش‌هایی به اصلاح موردی برخی موارد کمک شایانی کند.

۳. پیشینه پژوهش

همان‌گونه‌که اشاره شد، اجرای برنامه پیشین تربیت مترجم زبان انگلیسی در دوره کارشناسی با انتشار شماری از آثار انتقادی هم‌راه بوده است که البته با راه‌اندازی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری این رشته شاهد انتشار برخی آثار در نقد و ارزیابی این برنامه‌ها بوده‌ایم. به‌طور کلی، با لحاظ‌کردن ترتیب زمانی، مهم‌ترین آثار مربوط را می‌توان در این موارد معرفی کرد: رزم‌جو (Razmjou 2001) با استفاده از دو نوع مصاحبه به بررسی دیدگاه‌های شماری از متخصصان رشته‌های ترجمه، زبان‌شناسی، و آموزش زبان انگلیسی درباره برنامه این رشته در مقطع کارشناسی پرداخته است. وی، در این مقاله، ضمن معرفی ابعاد این برنامه،

انتقادهایی را درخصوص محتوای دوره و ضعف مهارت‌های دانشجویان مطرح کرده و سپس پیشنهادهایی را درجهت تقویت این دو بعد ارائه کرده است. میرعمادی (۱۳۸۲) مبتنی بر این منطق که دانشجویان پیش از آن‌که فن ترجمه بیاموزند اساساً زبان می‌آموزند پیشنهادی را برای دوره کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی ارائه کرده که در این برنامه پیشنهادی فنون ترجمه و توجه به زبان مادری در اولویت است. ضیاءحسینی (۱۳۸۲) با تأکید بر ضرورت بازنگری برنامه درسی این رشته، علاوه بر طرح ایرادهایی در نحوه گزینش دانشجویان برای شرکت در این دوره، به محتوای درسی نقدی جدی وارد کرده و از این رو، پیشنهادهایی را درجهت ارائه هم‌زمان آموزش‌های تکمیلی زبان و اصول و فنون ترجمه داده است. رحمانی (۲۰۰۹) به نقل از کتابی و دیگران (۱۳۹۸)، ضمن آسیب‌شناسی برنامه، با استفاده از پرسش‌نامه، به بررسی نیازها و انتظارات دانشجویان این رشته در دانشگاه‌های مختلف کشور پرداخته است. از پیشنهادهای وی می‌توان به ضرورت توجه بیش‌تر به دروس کاربردی و نیز ارتباط‌دهی دروس دوره با نیازها و انتظارات واقعی دانشجویان اشاره کرد.

کریم‌نیا (Karimnia 2012) با نگاهی به کاستی‌های برنامه تربیت مترجم در ایران به ارائه‌الگویی سه‌وجهی درجهت آموزش دانشجویان این رشته مبادرت ورزیده است. این الگو، که مبتنی بر سه مفهوم عمل، فن، و نظریه است، دربرگیرنده سه مرحله است که هدف آن تربیت مترجم در مقطع کارشناسی در ایران است. خوش‌سلیقه (۱۳۹۳)، ضمن بررسی دیدگاه‌های اساتید ترجمه در ایران، بر ضرورت اعمال تغییرات اساسی از جمله اضافه کردن دروس آموزش برنامه‌های نرم‌افزاری کمک مترجم، افزایش کمیت و کیفیت دروس عملی ترجمه و مرتبط با بازار کار، اصلاح درس‌های مرتبط با زبان‌شناسی کاربردی، و... اشاره کرده است. سهرابی و دیگران (Sohrabi et al. 2015) نیز با استفاده از پرسش‌نامه به بررسی کارآیی دروس تربیت مترجم پرداخته‌اند که عمده پیشنهادهای اصلاحی آن‌ها مبتنی بر حذف برخی دروس و اضافه کردن دروس دیگر با هدف تناسب بیش‌تر برنامه با نیازهای دانشجویان بوده است.

سالاری و خزاعی‌فرید (۱۳۹۴) نیز با استفاده از نظر گروه‌های ذی‌نفع هم‌چون دانشجویان، اساتید، و فعالان بازار ترجمه به ارائه برنامه‌ای پیشنهادی با محوریت توجه بیش‌تر به مهارت نگارش فارسی، ترجمه ادبی، ترجمه اسناد و مکاتبات، واژه‌شناسی، و اضافه کردن دروس ترجمه متون علمی و تخصصی، یا توجه به مهارت ویراستاری، و نیز

حذف دروس مرتبط با آموزش زبان هم‌چون آزمون‌سازی و روش تدریس پرداخته‌اند. خوش‌سلیقه و دیگران (Khoshsaligheh et al. 2019) با استفاده از پرسش‌نامه، ضمن بررسی دیدگاه‌های بیش از پانصد دانشجوی رشته مترجمی درقبال برنامه پیشین، به سنجش نیازها و خواسته‌های آن‌ها پرداخته‌اند که یافته‌ها جملگی بیان‌گر اهمیت دروس عملی ترجمه از منظر آن‌ها دارد. از دیگر آثار مرتبط می‌توان به دژآرا (Dezhara 2012)، کافی و دیگران (۲۰۱۷)، کتابی و دیگران (۱۳۹۸)، و سلیمی‌بنی و دیگران (۱۳۹۸) اشاره کرد.

۴. شیوه‌های ارزیابی برنامه‌های درسی

درخصوص نحوه ارزیابی یک برنامه آموزشی یا درسی، برون (Brown 1995) و کاپلان و بالدوف (Kaplan and Baldauf 1997) به این شیوه‌ها و راه‌کارها اشاره کرده‌اند:

الف. ارزیابی تکوینی (formative evaluation) دربرابر ارزیابی تراکمی (summative evaluation): بستگی به عواملی چون دوره برنامه و اهداف تعیین‌شده و نیز سطح خرد یا کلان ارزیابی می‌تواند از ارزیابی تکوینی درحین اجرای برنامه و در مقاطع مختلف آن یا از ارزیابی تراکمی در پایان دوره برنامه استفاده کرد.

ب. کارشناسان بیرونی (outside experts) دربرابر الگوی مشارکتی (participatory model) یا ذی‌نفعان داخلی (inside stakeholders): در روند ارزیابی می‌تواند از نظرها و دیدگاه‌های متخصصانی که در تهیه، تدوین، و اجرای برنامه دخالتی نداشته‌اند یا افراد دخیل در برنامه یا همان ذی‌نفعان بهره برد.

ج. پژوهش میدانی (field research) دربرابر پژوهش کتاب‌خانه‌ای (desk research): گرچه بخش مهم ارزیابی برنامه نیازمند پژوهش میدانی است، در روند بررسی اسناد آموزشی یا زبانی و نیز گزارش‌ها و پژوهش‌های موجود درباره برنامه می‌تواند از پژوهش کتاب‌خانه‌ای سود جست.

د. ارزیابی درحین برنامه (during the program evaluation) دربرابر ارزیابی بعد از برنامه (after the program evaluation): درخصوص برخی مؤلفه‌های برنامه، هم‌چون تأمین بودجه یا تغییر در برخی از تصمیمات می‌تواند از ارزیابی نوع اول بهره برد.

ه. ارزیابی کمی (quantitative evaluation) دربرابر کیفی (qualitative evaluation): بسته به نوع بررسی و ارزیابی برنامه و لحاظ‌کردن ابعاد یا جامعه هدف، می‌تواند به‌طور مجزا یا توأمان از ارزیابی کمی و کیفی بهره برد.

و. ارزیابی فرایند (process evaluation) در برابر ارزیابی فرآورده (product evaluation):
در صورت محدود بودن برنامه به مقطع زمانی مشخص و عمدتاً کوتاه، می توان از ارزیابی فرآورده یا محصول برنامه بهره برد، اما در اکثر موارد ارزیابی فرایند در قبال برنامه های جاری در مقاطع مختلف در اولویت است.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش به شیوه ای کیفی دیدگاه های ده استاد (هفت مرد و سه زن) در خصوص برنامه درسی جدید رشته مترجمی زبان انگلیسی بررسی شد. برای اطلاع از دیدگاه ها، با هفت نفر مصاحبه رودررو و با سه نفر دیگر مصاحبه تلفنی به عمل آمد. پنج مصاحبه اول در بازل زمانی دی و بهمن ۱۳۹۸ و پنج مصاحبه بعدی در خرداد و تیر ۱۳۹۹ صورت پذیرفت. هر مصاحبه بین ۳۵ تا شصت دقیقه به طول انجامید. برای انجام این مصاحبه، از هجده استاد (دوازده مرد و شش زن) به شیوه نمونه گیری در دسترس دعوت شده بود. گفتنی است که، با توجه به سابقه این افراد، جملگی با برنامه جدید و قدیم رشته مترجمی زبان انگلیسی آشنا بوده و در دوره های کارشناسی این رشته تدریس کرده اند. هم چنین، به دلیل رعایت مسائل اخلاقی، نام این افراد ناشناس مانده است که در این مقاله با شماره های ۱ تا ۱۰ معرفی شده اند. مشخصات اعضای شرکت کننده بدین شرح بوده است:

جدول ۱. مشخصات شرکت کنندگان

شماره	جنسیت	میزان تحصیلات / رشته	سابقه تدریس
۱	زن	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۱۴
۲	مرد	دکتری ترجمه	۸
۳	مرد	دکتری زبان شناسی	۹
۴	زن	دکتری ترجمه	۸
۵	مرد	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۱۸
۶	مرد	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۱۱
۷	زن	دکتری زبان شناسی	۱۲
۸	مرد	دکتری ترجمه	۸
۹	مرد	دکتری آموزش زبان انگلیسی	۲۱
۱۰	مرد	دکتری ترجمه	۹

در این پژوهش، با بهره‌جویی از دستورالعمل‌های ارائه‌شده درخصوص نحوه طراحی و اجرای مصاحبه کیفی (Dörnyei 2007) به‌نحوی نیمه‌ساخت‌مند مصاحبه‌ها حول چند پرسش اصلی و چندین پرسش فرعی، که معمولاً در این دسته از مصاحبه‌ها از طرف مصاحبه‌کننده و شرکت‌کننده مطرح می‌شود، برگزار شد. مهم‌ترین پرسش‌ها، که البته درحین مصاحبه‌ها و متناسب با بازخوردها و پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان با طرح پرسش‌هایی دیگر هم‌راه شد، بدین نحو بوده است:

۱. به‌نظر شما، تفاوت‌های اصلی سرفصل جدید با سرفصل قبلی چیست؟
۲. عناوین درسی در سرفصل جدید چه امتیازات یا کاستی‌هایی در مقایسه با عناوین در سرفصل قبلی دارد؟
۳. آیا در انتخاب عناوین دروس به اولویت‌های تربیت مترجم و سطح فراگیران توجه شده است؟
۴. آیا در انتخاب عناوین دروس به نیازها و سطح فراگیران توجه شده است؟
۵. تفاوت بارز معرفی منابع درسی پیش‌نهادی در این برنامه با برنامه پیشین چیست؟
۶. آیا منابع پیش‌نهادی می‌تواند اهداف برنامه جدید را برآورده سازد؟
۷. آیا تقدم و تأخر دروس یا نحوه تعیین پیش‌نیازها متناسب با ارتباط دروس و سطح آن‌هاست؟

گفتنی است، با توجه به این که پاسخ‌های ارائه‌شده در مشارکت‌کننده با نوعی اشباع (saturation) در این مرحله هم‌راه شد، تحلیل یافته‌ها براساس یافته‌های حاصل از این تعداد مصاحبه صورت پذیرفت. ضمناً طبیعی است، از آن‌جاکه در این پژوهش از اساتید این رشته به‌شبهه‌ای کیفی و درحین اجرای برنامه جدید چهارساله، که دوره کامل آن سپری نشده، ارزیابی به‌عمل آمده است، می‌توان نوع ارزیابی در پژوهش حاضر را از نوع ۱. تکوینی، ۲. با بهره‌گیری از کارشناسان بیرونی، ۳. پژوهش میدانی، ۴. درحین برنامه، ۵. کیفی، و ۶. از نوع فرایندی معرفی کرد.

۶. بحث و بررسی

یافته‌های پژوهش کیفی حاضر ذیل سه مؤلفه مهم و در قالب دو بخش یعنی نقاط قوت و کاستی‌ها بررسی و تحلیل شده است. به‌فراخور دامنه و اهمیت هریک از مؤلفه‌های موردنظر، پرسش‌هایی مطرح شده که در ادامه ذیل هر بخش ارائه شده است:

۱.۶ عناوین درسی

به‌طور کلی، نظرات ارائه‌شده درباره‌ی عناوین درسی را می‌توان در دو بخش امتیازها و کاستی‌های برنامه جدید به‌صورت ذیل جمع‌بندی کرد.

۱.۱.۶ امتیازها

در مجموع، می‌توان امتیازها و نقاط قوت مرتبط با عناوین درسی را حداقل در چهار بخش الف. عناوین درسی روزآمد، ب. توجه به نیازهای کاربردی و بومی، ج. توجه به زبان فارسی، و د. توجه به فناوری‌های جدید بررسی کرد. در ادامه، این دیدگاه‌ها ذیل این چهار بخش بررسی می‌شود.

الف. عناوین درسی روزآمد: به‌اذعان هر ده متخصص، از جمله نقاط قوت برنامه جدید ارائه‌تعدادی عناوین درسی روزآمد و جدید است که در برنامه پیشین جایگاهی نداشتند. در این باره، مهم‌ترین پاسخ‌ها در این موارد قابل‌ارائه است:

از جمله نقاط مثبت این برنامه جدید گنجاندن دروس جدید و به‌روز در آموزش ترجمه است؛ درس‌هایی مثل ترجمه شفاهی هم‌زمان یا ترجمه شفاهی پیایی، یا آشنایی با بازار ترجمه، و... که این مسلماً گام مثبتی است (مصاحبه‌شونده ۲).

با وجود برخی نقدهای جدی به برخی عناوین، طرح برخی دروس قابل‌تحسین است... با مشاهده این دروس در برنامه جدید خلاصه آن‌ها در برنامه قبلی پررنگ‌تر می‌شود... دروسی مثل «ترجمه متون علمی» یا «ترجمه شفاهی هم‌زمان» یا «ترجمه شفاهی پیایی»... (مصاحبه‌شونده ۳).

آنچه در نگاه اول کاملاً به‌چشم می‌آید تغییر بارز در برخی عناوین است که یکی از ویژگی‌های آن عناوین جدید است؛ مثلاً درس «فن بیان» یا «زبان‌شناسی کاربردی» یا برخی دروس اختیاری مثل کیفیت‌سنجی ترجمه... خوب، این‌ها واقعاً عناوین جدید و به‌روزی‌اند و این نقطه مثبتی در این برنامه است (مصاحبه‌شونده ۴).

در بیش‌تر عناوین جدید در این برنامه جدید شاهد تخصصی‌تر شدن دروس و به‌ویژه در حوزه درس‌های اختصاصی ترجمه‌ایم؛ مثلاً درس «ترجمه متون علمی و تخصصی» که جایش واقعاً در برنامه قبلی خالی بود یا درس‌هایی چون «آشنایی با محیط‌های ترجمه شفاهی» یا «حوزه‌های نوین ترجمه»... (مصاحبه‌شونده ۱۰).

ب. توجه به نیازهای کاربردی و بومی: از جمله امتیازهای مرتبط با عناوین درسی که در نظرات اساتید مشهود بود ارائه دروسی کاربردی بوده که به‌عنوان یک امتیاز معرفی شده است. در این باره، نمونه‌هایی از پاسخ‌ها در این موارد قابل ارائه است:

از ویژگی‌های مثبت این برنامه توجه به دروس کاربردی است... منظورم از کاربردی هم به معنای فراتر رفتن از صرف نظریه و هم ایجاد فضایی برای توان‌مندسازی دانشجو در زمینه کار و شغل است؛ مثلاً درسی مثل "آشنایی با بازار ترجمه" (مصاحبه‌شونده ۱).

جدای از برخی عناوین جدید، کاربردی بودن آن‌ها هم یک امتیاز است؛ مثلاً درسی به‌عنوان "ترجمه و فناوری" درسی ضروری و کاربردی برای ترجمه در دنیای امروز است یا درسی مثل "آشنایی با محیط‌های ترجمه شفاهی" (مصاحبه‌شونده ۲).

اساساً چون ماهیت رشته در مقطع کارشناسی متفاوت با مقطع ارشد یا دکتری است، توجه به نیازهای بومی در برخی درس‌ها کاملاً دیده می‌شود...؛ مثلاً درخصوص ترجمه متون اسلامی از فارسی به انگلیسی یا انگلیسی به فارسی یا در برخی عناوین چون "روزنامه‌نگاری الکترونیک" یا "ترجمه متون علمی"... این دروس کاربردی نوعی بومی‌سازی این‌گونه تخصص‌های کاربردی است (مصاحبه‌شونده ۴).

با این‌که در بعضی درس‌ها هنوز جنبه نظری پررنگ است، مروری بر درس‌ها و البته سرفصل‌ها نشان می‌دهد که به جنبه‌های کاربردی توجه شده...؛ درس‌هایی چون "پروژه کارورزی" یا "ترجمه قراردادهای" یا "ترجمه متون علمی" یا حتی "ترجمه متون فلسفی" به‌نوعی توجه به جنبه‌های کاربردی ترجمه و آموزش ترجمه است (مصاحبه‌شونده ۸).

ج. توجه به زبان فارسی: از دیگر امتیازهای این برنامه که عملاً همه اساتید بر آن اتفاق نظر داشتند توجه به زبان فارسی در این برنامه جدید است. مهم‌ترین پاسخ‌ها در این موارد قابل ارائه است:

شک نکنید که بالأخره بعد از سال‌ها کم‌توجهی به زبان فارسی و حتی ادبیات فارسی و تأثیر آن در تربیت مترجم بالأخره حساب دیگری برای این زبان باز کرده‌اند... جدای از دروسی چون "نگارش فارسی"، "ویرایش فارسی"، "ساخت زبان فارسی"، و چندین درس ادبیاتی چون "ادبیات کودک و نوجوان"، "ادبیات کهن"، و... توجه به ترجمه دوسویه، یعنی هم از انگلیسی به فارسی و هم از فارسی به انگلیسی، خیلی پررنگ شده است (مصاحبه‌شونده ۲).

توجه به زبان فارسی یک قدم واقعاً مثبت بوده... اصلاً یکی از علل ناکامی برنامه قبلی همین موضوع، یعنی بی‌توجهی به زبان فارسی، بوده... من در کنار زبان فارسی توجه به ادبیات فارسی را هم خیلی مثبت می‌بینم (مصاحبه‌شونده ۳).

جدای از توجه بیش‌تر به زبان فارسی و آیین نگارش و ویرایش زبان فارسی، در سرفصل می‌بینیم که توجه به ترجمه دوسویه کاملاً پررنگ شده... ترجمه دوسویه دانشجویان را بیش از پیش با زبان فارسی درگیر می‌کند... از این لحاظ این اصلاح برنامه قابل تقدیر است... (مصاحبه‌شونده ۷).

د. توجه به فناوری‌های جدید: از منظر اساتید این رشته، یکی از مزیت‌های برنامه جدید - که البته به دلیل پیشرفت‌های فناورانه حوزه ترجمه و آموزش زبان و ترجمه را با خود هم‌راه ساخته - توجه به نرم‌افزارهای جدید و پیکره‌های برخاسته است. در این باره، مروری بر این دیدگاه‌ها مفید خواهد بود:

یکی از خوبی‌های برنامه جدید تأکید بر استفاده از نرم‌افزارها و پیکره‌هاست. با توجه به اهمیت این‌ها و البته مفیدبودن این ابزار، لازم است که دانشجویان، چه در آموزش زبان و چه در آموزش ترجمه، بتوانند از این‌ها استفاده کنند (مصاحبه‌شونده ۶).

توجه به اینترنت و نرم‌افزارهایی که در این برنامه تأکید شده یک طرف... اما ارائه درسی چون "ترجمه و فناوری"، که دقیقاً در جهت آشنایی دانشجویان با ترجمه ماشینی و کاربرد نرم‌افزارهای مترجم‌یار است، واقعاً ضروری بوده... به نظر من چه اساتید و چه دانشجویان این رشته باید با این امکانات جدید نه فقط آشنا که باید مسلط باشند (مصاحبه‌شونده ۹).

۲.۱.۶ کاستی‌ها

در مجموع، می‌توان کاستی‌ها و نقاط ضعف مرتبط با عناوین درسی را حداقل در سه بخش بررسی کرد: الف. عناوین جدید یا پیشین غیراولویت‌دار، ب. بالاتر بودن از سطح کارشناسی، ج. کاهش یا حذف برخی عناوین مهم. در ادامه، این دیدگاه‌ها ذیل این سه بخش بررسی می‌شود.

الف. عناوین جدید یا پیشین غیراولویت‌دار: بررسی دیدگاه‌های مطرح‌شده حکایت از آن دارد که برخی عناوین جدید و در بعضی موارد باقی‌ماندن برخی عناوین پیشین کماکان از منظر اساتید این رشته در اولویت نیست. مهم‌ترین پاسخ‌ها در این موارد قابل‌ارائه است:

یکی از کاستی‌های جدی در برنامه جدید طرح چنددرسی است که اساساً نه تنها مناسب این رشته از لحاظ اولویت نیستند که اصلاً جای آن در دوره کارشناسی نیست؛ مثلاً درسی چون «ادبیات پایداری» با آن سرفصل و منابع واقعاً منطبق گنجانیدن این درس چیست؟ اولویت آن کجاست؟ (مصاحبه‌شونده ۱).

درکنار نقطه مثبت گنجانیدن دروس جدید، شاهد ارائه دروسی هستیم که نمی‌دانم واقعاً چرا تصور شده که اولویت دارند؟ چه درمورد دروس اجباری و چه اختیاری. مثلاً واقعاً برایم سؤال است که چرا درسی مثل «ترجمه متون سیاسی» یا «ترجمه متون اقتصادی»، که اتفاقاً از کاربردی‌ترین دروس برنامه قبلی بودند، کاملاً در برنامه جدید حذف شدند و مثلاً شاهد انباشتگی دروس ترجمه اسلامی تا چهار عنوان درسی باشیم یا مثلاً درسی چون «ادبیات پایداری» باشیم (مصاحبه‌شونده ۴).

ب. بالاتر بودن از سطح کارشناسی: از منظر مصاحبه‌شوندگان، برخی از دروس یا سرفصل آن بالاتر از سطح کارشناسی بوده که البته دلایل متعددی برای این تغییر ذکر شده است. مهم‌ترین پاسخ‌ها در این موارد قابل‌ارائه است:

مرور برخی عناوین و البته منابع پیش‌نهادی علامت سؤال بزرگی در ذهن پدید می‌آورد و آن‌هم این‌که آیا واقعاً برخی از این‌ها در سطح کارشناسی هستند؟ مثلاً درسی چون «پژوهش در مطالعات ترجمه». برخی از سرفصل‌های این درس برای دوره دکتری است (مصاحبه‌شونده ۲).

به نظر من، سرفصل ارائه‌شده برای برخی دروس واقعاً فراتر از دوره کارشناسی است، آن‌هم اگر قرار باشد هدف تربیت مترجم را دنبال کرد... بهتر بود برخی از این بحث‌های نظری جای خودش را به دروس عملی و کاربردی می‌داد... مثلاً به سرفصل درس «کیفیت‌سنجی ترجمه» نگاه کنید، آیا این سرفصل مناسب دانشجوی کارشناسی است؟ (مصاحبه‌شونده ۵).

من ایرادی به عناوین درسی ندارم. عناوین جذاب و خوبی است، اما سرفصل برخی خیلی بالاتر از سطح کارشناسی است. یک درس و دو درس هم نه... خیلی از درس‌ها این‌طوری است... نمونه بارز این مورد درسی مثل «مبانی نظری ترجمه» است. چنین سرفصلی برای درس دوره کارشناسی واقعاً هم سنگین است و هم غیرضروری؟! (مصاحبه‌شونده ۱۰).

ج. کاهش یا حذف برخی عناوین مهم: از جمله مسائل مطرح‌شده که با انتقادهایی جدی مصاحبه‌شوندگان همراه شد، حذف برخی عناوین مهم درسی یا کاهش آن‌ها بوده

است که مثال‌هایی متعدد را برای آن ذکر کردند. نمونه‌هایی از این پاسخ‌ها در این موارد قابل ارائه است:

همواره در ذهن من این سؤال مطرح می‌شود که چه دلیلی برای حذف دروسی چون «ترجمه متون سیاسی» یا «ترجمه متون اقتصادی» وجود داشته؟ وقتی که همه دروس دواحدی شده‌اند، دیگر نمی‌توان گفت مثلاً برنامه جایی برای ارائه این دروس ندارد... (مصاحبه‌شونده ۳).

جدای از درس‌های اختصاصی ترجمه مثل «ترجمه متون سیاسی» که از برنامه حذف شده، برای این ابهام پیش آمده که مثلاً چرا درس «آواشناسی» حذف شده؟ این درس برای هر گرایشی در زبان ضروری است... (مصاحبه‌شونده ۵).

با بررسی دیدگاه‌های ارائه‌شده درباره نقاط قوت این بخش، یعنی تغییرات و اصلاحات عناوین درسی، درمی‌یابیم که طراحان برنامه جدید به نقدها و نظرهایی توجه داشته‌اند که به بررسی کاستی‌های برنامه پیشین پرداخته بودند. به‌عنوان نمونه، کم‌توجهی به زبان فارسی موضوعی بوده است که همواره در آثاری انتقادی هم‌چون میرعمادی (۱۳۸۲) و سالاری و خزاعی‌فرید (۱۳۹۴) مطرح بوده و در این برنامه جدید بدان توجه بیش‌تری شده است. از دیگر موارد می‌توان به توجه برنامه جدید به عناوین دروس متناسب با بازار ترجمه اشاره کرد که طرح و پیش‌نهاد آن در آثاری چون خوش‌سلیقه (۱۳۹۳) و کتابی و دیگران (۱۳۹۸) آمده بود.

درباره کاستی‌های ذکرشده درباره عناوین درسی در برنامه جدید درمی‌یابیم که حذف برخی از دروس مهم و کاربردی که در آثاری چون خوش‌سلیقه (۱۳۹۳) و سهرابی و دیگران (Sohrabi et al. 2015) بر تقویت آن‌ها تأکید شده بود از منظر مصاحبه‌شوندگان یک ضعف جدی برشمرده شده است. این موضوع به‌اجمال در کتابی و دیگران (۱۳۹۸) نیز مطرح شده است. هم‌چنین، بالاتر بودن برخی از دروس از سطح کارشناسی یا به‌تعبیری غلبه بار نظری آن‌ها سبب ارائه دروسی شده است که نه‌تنها تدریس آن‌ها در قالب درسی دواحدی و در طول یک نیم‌سال تحصیلی ممکن نیست، بلکه از جنبه کاربردی برنامه می‌کاهد. البته، حذف برخی دروس کاربردی و مهم چون «ترجمه متون سیاسی»، «ترجمه متون اقتصادی»، و... که از قضا اکثر مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند، خود این کاستی را پررنگ‌تر کرده است.

۲.۶ منابع درسی

در سرفصل جدید برای هر عنوان درسی، به‌طور متوسط، شاهد معرفی حداقل ده کتاب به‌عنوان منبع آن درس هستیم. بررسی دیدگاه‌های مطرح‌شده درخصوص این منابع، درکنار برخی مزایا، با نقدهایی جدی هم‌راه بود. به‌طور کلی، نظرهای ارائه‌شده درباره منابع درسی را، که با بحث‌های قابل توجهی از سوی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش هم‌راه بود، می‌توان در دو بخش امتیازها و کاستی‌های برنامه بدین نحو جمع‌بندی کرد:

۱.۲.۶ امتیازها

درمجموع، می‌توان امتیازها و نقاط قوت مرتبط با منابع درسی را حداقل در دو بخش بررسی کرد: الف. تعدد و تنوع منابع، ب. منابع جدید. درادامه، این دیدگاه‌ها ذیل این دو بخش بررسی می‌شود:

الف. تعدد و تنوع منابع: از منظر مصاحبه‌شوندگان، ازجمله امتیازهای مرتبط با منابع درسی تعدد و تنوع آن‌هاست. درادامه، شماری از این دیدگاه‌ها بررسی می‌شود:

حتماً یکی از امتیازات این برنامه معرفی منابع متعدد برای یک درس است که استاد می‌تواند متناسب با سطح کلاس و توانایی و نیاز دانشجویها و البته علایق و تخصص خودش منبع یا منابع مناسب انتخاب کند؛ یعنی نوعی انعطاف‌پذیری در منابع پیش‌نهادی دیده می‌شود، البته نه در همه دروسها (مصاحبه‌شونده ۱).

فکر کنم به‌طور متوسط برای هر عنوان درس حدود ده منبع معرفی شده که خوب درمجموع یک بسته آموزشی خوب برای این رشته است... این تنوع یک نوع امتیاز این برنامه است، مخصوصاً دروس‌هایی که منابع جدید برایش ارائه شده (مصاحبه‌شونده ۵).

ب. منابع جدید: از دیگر امتیازهای برشمرده‌شده، برای منابع معرفی‌شده در برنامه بازنگری‌شده، ارائه منابعی جدید است که جایگاهی در حوزه آموزش زبان و ترجمه دارند. مهم‌ترین پاسخ‌ها درخصوص این امتیاز در این موارد قابل‌ارائه است:

چه در درس‌های پایه که به مهارت‌های زبانی می‌پردازد و به‌ویژه در درس‌های تخصصی برای بیش‌تر درس‌ها شاهد معرفی فهرستی از منابع عمده‌تاً جدید و به‌روزیم... این قضیه در درس‌های تخصصی ترجمه کاملاً نمود دارد. این کتاب‌های معرفی‌شده خود یک فهرست خوب و مفید برای دانشجویان و پژوهش‌گران در حوزه ترجمه فراهم آورده... البته در مواردی هم ایرادهایی وجود دارد... (مصاحبه‌شونده ۸).

اساساً نفس تغییر برنامه که با تغییر عناوین و سرفصل‌ها همراه بوده خود نوعی تغییر را برای اساتید در انتخاب منابع به‌همراه خواهد داشت... تجربه شخصی خود من... سال‌ها درس‌های "خواندن و درک مفاهیم" را تدریس کردم... تغییر عنوان درس به خواندن پایه و پیشرفته و کاهش واحد آن سبب شد در این دو دوره کتاب‌هایی جدید را معرفی کنم... این حتماً یک امتیاز است (مصاحبه‌شونده ۱۰).

۲.۲.۶ کاستی‌ها

در مجموع، می‌توان کاستی‌ها و نقاط ضعف مرتبط با منابع درسی را حداقل در چهار بخش بررسی کرد: الف. منابع نامرتب، ب. منابع بالاتر از سطح کارشناسی، ج. عدم تفکیک منابع اصلی از فرعی، د. کم‌توجهی به مقالات منتشرشده در حوزه ترجمه. در ادامه، این دیدگاه‌ها ذیل این سه بخش بررسی می‌شود:

الف. منابع نامرتب: از جمله مسائلی که همه مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره کردند معرفی برخی منابع نامرتب یا کم‌ارتباط در برخی از دروس بود. نمونه‌هایی از این نظرها بدین نحو قابل ارائه است:

یکی از ضعف‌های جدی بعضاً معرفی منابعی است که یا اصلاً ارتباطی با سرفصل ندارند یا ارتباط کمی دارند. این حتماً یک ضعف جدی است و حتماً کم‌دقتی شده و باید اصلاح شود. مثلاً خودم ترم گذشته درس "خواندن متون مطبوعاتی و رسانه‌ای" داشتم. وقتی به منابع رجوع کردم واقعاً تعجب کردم. صرف شباهت نسبی با عنوان دیدم چند کتاب بازاری سرهم‌بندی شده که چند خبر را همراه با سی. دی. چاپ کرده‌اند به‌عنوان منبع معرفی شده! درحالی‌که هدف این درس براساس سرفصل چیز دیگری است (مصاحبه‌شونده ۱).

... البته منابع برخی درس‌ها واقعاً جای سؤال دارد... مثلاً درسی چون "بررسی آثار ترجمه‌شده اسلامی" که قرآن مجید را به‌عنوان منبع معرفی کرده است! منبع درسی برای خود ویژگی‌هایی دارد... یا درسی چون "خواندن متون مطبوعاتی" که خیلی سؤال‌برانگیز است (مصاحبه‌شونده ۹).

درست است که تعدد و تنوع منابع پیش‌نهادی خوب است، واقعاً در بسیاری از درس‌ها شاهد ارائه منابعی هستیم که آن‌چنان ارتباطی با سرفصل ندارد... شاید شباهتی داشته باشد با عنوان درس، اما ارتباطی با سرفصل ندارد. مثلاً ببینید برای درس "ترجمه متون علوم انسانی از فارسی" چه منابعی ارائه شده... صرفاً هفت منبع انگلیسی بدون

هیچ اشاره‌ای به بعد فارسی قضیه و البته کاملاً بدون ارتباط با سرفصل. اگر قرار است در این درس طبق سرفصل دانشجوی عملاً وارد ترجمه این متون شود، چه ارتباطی بین این توانایی با منابع پیش‌نهادی است؟! (مصاحبه‌شونده ۳).

ب. منابع بالاتر از سطح کارشناسی: درکنار معرفی برخی از منابع نامرتبط با سرفصل دروس، معرفی منابعی که به دلیل غلبه بار نظری با سطح مقطع کارشناسی هماهنگی ندارد ازجمله انتقادهای مطرح‌شده بود. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

یکی از انتقادهای جدی من و البته همکارانم به برخی منابع درکنار ارتباط ناچیز با سرفصل نظری بودن آن‌ها و عدم تناسب با سرفصل یا جنبه‌های عملی برنامه است. وقتی ماهیت یک درس آموزش مهارت و فن ترجمه به شکل عملی و کاربردی است، ارائه منابعی صرفاً نظری و بی‌توجه به زبان فارسی واقعاً بالاتر از سطح کارشناسی است (مصاحبه‌شونده ۲).

ببینید، گفتم که یکی از امتیازهای برنامه طرح دروس جدید است که هم مفید و هم ضروری است. مثلاً گفتم کیفیت‌سنجی ترجمه، اما وقتی سراغ منابع می‌رویم، واقعاً این سؤال پیش می‌آید که آیا مثلاً کتاب جولیان هاوس که در سطح دکتری به‌سختی قابل تدریس است برای دانشجوی کارشناسی قابل ارائه است؟ مسلماً خیر. وقتی شمار زیادی منبع برای هر درس ارائه می‌شود، خب این هم خودش یک مشکل است (مصاحبه‌شونده ۴).

شاید چند مثال مفید باشد؛ مثلاً درسی چون “ترجمه متون علوم انسانی از فارسی” را، که اصلاً وجود این درس یک امتیاز ویژه برای برنامه جدید است، ببینیم. سرفصل ارائه‌شده کاملاً کاربردی است و عملی... صحبت از ترجمه می‌کند... اما منابع پیش‌نهادی به قدری نظری و دور از واقعیت و حال‌وهوای این درس است که اگر بنا باشد آن منابع تدریس شود، اولاً سرفصل تحقق نمی‌یابد و ثانیاً حجم زیادی مطلب نظری صرفاً ارائه می‌شود (مصاحبه‌شونده ۷).

ج. عدم تفکیک منابع اصلی از فرعی: یکی دیگر از مواردی که عملاً همه مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند معرفی صرف شماری از منابع، بدون تفکیک منابع اصلی از فرعی یا مشخص کردن بخش‌های مرتبط با سرفصل در یک کتاب، است. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

یکی از مشکلات منابع پیش‌نهادی این است که طراحان برای هر درس هفت/هشت تا ده شاید هم بیش‌تر منبع معرفی کرده‌اند. این روش نامعمول است. حداقل باید یک یا

دو منبع اصلی و چند منبع فرعی پیش نهاد شود، نه این که صرفاً اسامی کتاب‌ها ردیف شود و منبع اصلی از فرعی جدا نشود (مصاحبه‌شونده ۱).

هم منبع یا منابع اصلی و مهم یک درس از منابع فرعی جدا نشده و هم این که اصلاً روال معرفی منابع به این نحو است که مثلاً دقیقاً مشخص شود که کدام فصل‌ها یا صفحات کتاب و مربوط به این دروس است. مثلاً برای درس "مبانی زبان‌شناسی" هم می‌گوید جورج یول و هم برای درس "زبان‌شناسی کاربردی" گفته یول. خوب باید معلوم شود کدام فصل‌ها برای کدام درس، یا در خیلی از درس‌ها صرفاً گفته شده فلان کتاب بیکر یا نیومارک، اما کجای این کتاب منظور است؟ (مصاحبه‌شونده ۳).

د. کم توجهی به مقالات منتشر شده در حوزه ترجمه: از مواردی که چند تن از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند معرفی نشدن برخی مقالات مهم در حوزه مطالعات ترجمه به‌ویژه مقالات نویسندگان ایرانی در منابع است. به اعتقاد آن‌ها، در حوزه ترجمه انگلیسی به فارسی و بالعکس شاهد انتشار آثاری هستیم که می‌تواند در حوزه‌هایی چون آموزش ترجمه، ویراستاری ترجمه، ارزیابی و نقد ترجمه، و... مفید باشد. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

واقعیت آن که در سال‌های اخیر شاهد چاپ مقالات خوبی در حوزه‌های نظری و به‌ویژه عملی ترجمه در ایران بوده‌ایم... با توجه به این که مباحث این رشته خیلی در ایران بومی نشده است، استفاده از این گونه مقالات می‌تواند بسیار به آموزش ترجمه در دانشگاه‌ها کمک کند (مصاحبه‌شونده ۷).

انتظار می‌رفت دست‌اندرکاران تدوین برنامه جدید، که خود در چند نشریه ترجمه در ایران حضور فعال دارند، مقالات مفید و اثرگذار را، که البته جنبه آموزشی برای دانشجویان داشته باشد، در بعضی درس‌ها به‌عنوان منبع معرفی کنند. به‌رحال، نمی‌توان از برخی مقالات در مجلاتی چون *مترجم یا مطالعات ترجمه* و... به‌راحتی گذشت... خوب بود اگر این مقالات به‌عنوان منابع جانبی و پیش‌نهادی معرفی می‌شد (مصاحبه‌شونده ۱۰).

مسئلاً، از آن‌جا که برنامه پیشین با بازنگری و تغییری هم‌راه نبوده، طبیعی است که منابع پیش‌نهادی در آن برنامه همگی قدیمی بوده باشند. ارائه برنامه جدید، که با معرفی منابع جدید هم‌راه بوده است، زمینه معرفی و نیز آشنایی اساتید و دانشجویان با منابع کم‌تر شناخته‌شده را فراهم ساخته است. مراجعه به منابع هر درس نشان می‌دهد که عملاً در هر درس شاهد معرفی منابعی هستیم که می‌تواند زمینه هم‌گامی با برخی آثار مرتبط با

تحولات حوزه ترجمه را فراهم آورد، اما درباره انتقادهای جدی به معرفی برخی منابع نامرتب و گاهی بازاری و نیز منابع بالاتر از سطح کارشناسی و هم‌چنین عدم تفکیک منابع اصلی از فرعی مروری بر این منابع بیان‌گر درستی این انتقادهاست.

۳.۶ پیش‌نیازها

به‌مانند هر برنامه درسی، در این برنامه نیز شاهد ارائه پیش‌نیازهایی برای غالب دروسیم، اما طرح و بررسی موضوع در مصاحبه‌ها بیان‌گر آن است که، در مواردی چند، انتقادهایی جدی به نحوه ارائه پیش‌نیازها مطرح شد که به‌عنوان کاستی‌ها در ادامه معرفی می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان نظرات انتقادی و اصلاحی را در دو بخش معرفی کرد: الف. دروس بدون پیش‌نیاز، ب. پیش‌نیازهای غیراولویت‌دار.

الف. دروس بدون پیش‌نیاز: یکی از انتقادهای مطرح‌شده ارائه دروس متعددی است که هیچ پیش‌نیاز یا شرطی برای آن تعیین نشده است. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها بدین شکل بوده است:

چه در دروس پایه و چه در دروس تخصصی و البته اختیاری، تعداد قابل‌توجهی از درس‌ها پیش‌نیاز یا شرطی برای گرفتن درس ندارند. در اجرا، این مسئله واقعاً مشکل‌ساز خواهد بود. مثلاً طبیعی است و منطقی که نگارش انگلیسی پایه باید بعد از دستور انگلیسی بیاید؛ یعنی باید دستور انگلیسی پایه و بعد پیشرفته گذرانده شود. سپس، دانشجو نگارش پایه را بگیرد، اما می‌بینیم که در این برنامه نگارش پایه پیش‌نیازی ندارد... شاید بگویید که خوب چون روال منطقی این است، پس رعایت می‌شود، اما شاهدیم که در دانشگاه‌های مطرح ما در ترم اول نگارش پایه ارائه شده است (مصاحبه‌شونده ۱).

شک نکنید که یکی از مشکلات برنامه همین درس‌های بدون پیش‌نیاز یا بدون شرط اخذ است... مثلاً، در درس‌های پایه، درس "فن بیان" را داریم که خوب طبیعی است باید مهارت‌های شنیداری و گفتاری پایه و پیشرفته طی شود که سپس درس "فن بیان" ارائه شود یا "آشنایی با نثر انگلیسی" یا "ترجمه شفاهی پیاپی" و "کیفیت سنجی ترجمه"... وضع به همین منوال است... اگر هم قرار است برای برخی درس‌ها مثل "ترجمه شفاهی" یا "اصول و روش تدریس" پیش‌نیاز ذکر نشود که البته باید بشود حداقل باید شروطی گذاشته شود که مثلاً بعد از این تعداد واحد اخذ شود (مصاحبه‌شونده ۵).

جدای از درس‌های اصلی یا همان دروس پایه و تخصصی، درس‌های اختیاری‌ای هست که باید ده واحد از آن‌ها ارائه شود، اما در غالب موارد این درس‌ها بدون پیش‌نیاز تعریف شده‌اند که خیلی منطقی نیست... اگر بناست این درس‌ها در ترم‌های مختلف ارائه شود، خوب باید سازوکار داشته باشد باید، تقدم و تأخر داشته باشد... حتماً در اجرا به مشکل می‌خوریم (مصاحبه‌شونده ۶).

ب. **پیش‌نیازهای غیر اولویت‌دار:** در کنار انتقاد پیشین، نحوه انتخاب برخی پیش‌نیازها برای برخی از دروس موضوعی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند. نمونه‌هایی از این انتقادها بدین شکل بوده است:

جدای از درس‌های بدون پیش‌نیاز، به نظر می‌رسد که درمورد برخی درس‌ها باید تجدیدنظری در درس‌های پیش‌نیاز آن‌ها شود. مثلاً برای درس "ویرایش فارسی" پیش‌نیاز آن "ساخت زبان فارسی" آمده است که باید پیش‌نیاز آن "نگارش فارسی" باشد نه "ساخت زبان فارسی" یا درمورد درس "تحلیل مقابله‌ای ساخت زبان فارسی و انگلیسی" که پیش‌نیاز آن "زبان‌شناسی کاربردی" آمده است اما چرا؟ (مصاحبه‌شونده ۳).

معمولاً و منطقاً باید آموزش ترجمه متون از انگلیسی به فارسی و سپس از فارسی به انگلیسی باشد، اما درمورد ترجمه متون اسلامی این روند برعکس شده است. چرا؟ یا برای "ترجمه ادبیات" دو درس "اصول و راه‌کارهای ترجمه" و "ترجمه و فنآوری" آمده اما آیا برای این درس نباید به پیش‌نیازهای درس‌های ادبی و ادبیاتی توجه می‌شد؟ مثلاً نباید درسی چون داستان یا شعر انگلیسی به‌عنوان پیش‌نیاز می‌آمد؟ (مصاحبه‌شونده ۴).

باتوجه به اهمیت موضوع پیش‌نیازهای درسی در توصیف یک سرفصل درسی (بنگرید به بهرام‌بیگی ۱۳۹۱)، بررسی دیدگاه‌های ارائه‌شده و نیز بررسی دقیق‌تر این موضوع در برنامه درسی نشان می‌دهد که انتقادهای مطرح‌شده وارد بوده است. این کاستی نه تنها می‌تواند برنامه را در روند اجرا با مشکلات و ناهماهنگی‌هایی روبه‌رو کند، بلکه در تحقق اهداف آموزشی برنامه از حیث عدم رعایت منطقی تقدم و تأخر دروس هم مشکلاتی را به‌هم‌راه خواهد داشت.

۷. نتیجه‌گیری

از موارد مهم، چه در تدوین و طراحی برنامه‌های درسی و چه در روند ارزیابی و آسیب‌شناسی آن‌ها، توجه به دیدگاه‌های گروه‌های ذی‌نفع و از آن جمله مدرسان است.

از این رو، در این پژوهش تلاش شد تا به شیوه‌ای کیفی دیدگاه‌های تعدادی از اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های مجری این رشته درباره ابعاد تشکیل‌دهنده و ویژگی‌های برنامه تجدیدنظرشده رشته مترجمی زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی بررسی شود. یافته‌های پژوهش حاضر بیان‌گر آن است که در طراحی و تدوین برنامه جدید تا حدود قابل توجهی به نقدها و دیدگاه‌های انتقادی مطرح‌شده در آثاری توجه شده است که به ارزیابی برنامه پیشین پرداخته بودند و این موضوع را می‌توان از نقاط قوت برنامه جدید برشمرد؛ موضوعاتی چون توجه به دروس کاربردی و متناسب با نیازهای بومی فراگیران، توجه به زبان فارسی، توجه به فناوری‌های نوین، توجه بیش‌تر به موضوع ترجمه دوسویه، توجه به نیازها و انتظارات بازار ترجمه، و... که هدف آن‌ها همانا کارآمدسازی، بومی‌سازی، و تخصصی‌ترکردن این رشته است.

اما یافته‌های حاصل از بررسی موضوعاتی که به‌عنوان کاستی‌های برنامه جدید برشمرده شد نشان می‌دهد که نقدهایی درخصوص عناوین درسی و سرفصل‌ها، منابع پیش‌نهادی، و روند معرفی پیش‌نیازها وجود دارد که بی‌تردید در هرگونه بررسی، اصلاح، و آسیب‌شناسی این برنامه، چه درحین اجرا و چه در مراحل دیگر، شایسته است که به این دیدگاه‌ها توجه شود.

از آن‌جاکه پژوهش حاضر از آثار پیش‌گام در ارزیابی و نقد برنامه جدید برشمرده می‌شود، شایسته است که در آثار بعدی از سویی از دیگر گروه‌های ذی‌نفع، هم‌چون طراحان برنامه، دانشجویان، و دانش‌آموختگان، ارزیابی به‌عمل آید و از سوی دیگر، به شیوه‌های مختلف کیفی و کمی از نظر اساتید و مدرسان این رشته در گستره و دامنه بیش‌تری بهره برده شود. بنابراین، می‌توان از دیگر شیوه‌های ارزیابی، که پیش‌تر ذکر آن آمده بود، هم‌چون شیوه‌های ارزیابی تراکمی، ارزیابی بعد از برنامه، ارزیابی مشارکتی، ارزیابی کتاب‌خانه‌ای، و... بهره برد.

انتظار می‌رود که برنامه‌ریزان این حوزه، علاوه بر توجه به این دسته از یافته‌ها، کماکان در هر مرحله از اجرا به دیدگاه‌های پژوهش‌گران این حوزه، انتظارات دانشجویان، نیازهای دانش‌آموختگان، و نیازها و انتظارات نهادهای ارائه‌دهنده خدمات ترجمه در جامعه توجه کافی کنند. هم‌چنین، مقایسه این برنامه با برنامه‌های مشابه این رشته در جوامع دیگر می‌تواند به‌عنوان پیش‌نهادی سازنده در جهت اصلاح و تقویت برنامه حاضر برشمرده شود.

کتابنامه

- بهرام بیگی، مهری (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های مطلوب در تدوین سرفصل درسی دانشگاهی با نقد بر سرفصل‌های درسی رشته زبان فرانسه»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۱۶.
- بیکیان، علی، سعید کتابی، و اکبر حسایی (۱۳۹۸)، «ارزیابی کارایی برنامه درسی کارشناسی مترجمی انگلیسی از نقطه نظر دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته»، پژوهش‌های زبان‌شناسی در زبان‌های خارجی، ش ۹.
- حسینی، سیدمحمدحسین و دیگران (۱۳۹۴)، «تحلیل انتقادی الگوهای تغییر برنامه درسی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۱۵.
- خوش سلیقه، مسعود (۱۳۹۳)، «توانش‌های هدف در آموزش مترجم فارسی و انگلیسی»، مطالعات زبان و ترجمه، پیاپی ۴۷.
- سالاری، زهرا و علی خزاعی فرید (۱۳۹۴)، «ضرورت بروزرسانی سرفصل دروس کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی برمبنای نیازهای بازار ترجمه در ایران»، مطالعات زبان و ترجمه، پیاپی ۴۸.
- سلیمی‌بنی، شیرین، حسین حیدری تبریزی، و اکبر روحی (۱۳۹۸)، «آموزش نقد ترجمه در دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات ترجمه: انتظارات دانشجویان و محتوای آموزشی واحد درسی»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاه، پیاپی ۲۳.
- ضیاءحسینی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، «تربیت مترجم»، مطالعات ترجمه، ش ۱.
- میرعمادی، سیدعلی (۱۳۸۲)، «تأملی در برنامه مترجمی دانشگاه‌ها و راه‌کاری برای حل مشکلات»، مطالعات ترجمه، ش ۱.

Bogucki, Lukasz (ed.) (2010), *Teaching Translation and Interpreting: Challenges and Practices*, Newcastle: Cambridge Scholars.

Dezhara, Salman (2012), *Curriculum Assessment of the BA and MA Programs of English Translation Major at the University of Isfahan*, M.A. Thesis, Isfahan: University of Isfahan.

Dörnyei, Zoltán (2007), *Research Methods in Applied Linguistics: Quantitative, Qualitative, and Mixed Methodologies*, Oxford: Oxford University Press.

Gabr, Moustafa (2001), "Toward a Model Approach to Translation Curriculum Development", *Translation Journal*, vol. 5, no. 2, Available at: <<http://accurapid.com/journal/16edu.htm>>.

Kaplan, Robert B. and Richard B. Baldauf (1997), *Language Planning: From Practice to Theory*, Bristol: Multilingual Matters.

Karimnia, Amin (2012), "Undergraduate Translation Training: In Search of a Model", *Social and Behavioral Sciences*, vol. 70.

- Khoshsaligheh, Masood, Mahboubeh Moghaddas, and Saeed Ameri (2019), "English Translator Training Curriculum Revisited: Iranian Trainees' Perspectives", *Teaching English Language*, vol. 13, no. 2.
- Razmjou, Leila (2001), "Developing Guidelines for a New Curriculum for the English Translation BA Program in Iranian Universities", *Translation Journal*, vol. 6, no. 2, Available at: <<https://translationjournal.net/journal/20edu1.htm>>.
- Rossi, Peter H., Mark W. Lipsey, and Howard E. Freeman (2004). *Evaluation: A Systematic Approach*, Thousand Oaks: Sage.
- Sawyer, David B., Frank Austermlühl, and Vanessa Enríquez Raído (eds.) (2019), *The Evolving Curriculum in Interpreter and Translator Education*, Amsterdam: John Benjamins.
- Sohrabi, Sarah, Ramin Rahimi, and Masoume Arjmandi (2015), "Efficiency of Iranian Translation Syllabus at BA Level; Deficiency: A New Comprehensive Model", *Advances in Language and Literary Studies*, vol. 6, no. 1.